

گزارش سیمینار بنیاد هاینریش بل پیرامون تحولات افغانستان

با گذشت ده سال از کنفرانس پیترز برگ که در آن سرنوشت سیاسی افغانستان بعد از سقوط دولت طالبان رقم زده شد، بتاريخ 5 دسمبر بار دیگر جامعه بین المللی کارنامه های سیاسی اقتصادی ده ساله خود را در این کشور جنگ زده زیر نام "کنفرانس دوم پیترز برگ" به ارزیابی گرفتند. گرچه در آغاز آماده گی برای این کنفرانس، قرار بود که طالبان نیز پای میز مذاکره کشانیده شوند اما تحولاتی چون قتل برهان الدین ربانی رییس شورای عالی صلح و عدم موافقت بخشهای از دولت افغانستان موانعی در راه شرکت طالبان در این کنفرانس ایجاد نمود و این کنفرانس به کنفرانس وزرای خارجه و نمایندگان 98 کشور دخیل تبدیل شد. واقعه بمباردمان پوسته های سرحدی پاکستان در منطقه مهمند صوبه سرحد پاکستان از طرف قوای هوایی ناتو که منجر بقتل 24 سرباز پاکستانی گردید. عامل عدم شرکت نماینده حکومت پاکستان بحیث حمایتگر اصلی "جنبش طالبان" در این کنفرانس گردید، اما وزیر خارجه ایران با وجود چالش هاییکه در رابطه برنامه اتمی میان این کشور و کشور های عضو ناتو وجود دارد، در کنفرانس شرکت داشت.

در روزهای قبل از انعقاد کنفرانس تمام احزاب سیاسی المان از طریق بنیاد های تحقیقاتی و فرهنگی اوضاع سیاسی منطقه و افغانستان را با شرکت کارشناسان افغانی و بین المللی به ارزیابی گرفتند تا با دید روشنتری در مذاکرات شرکت نمایند. در چوکات همین کنفرانسها بنیاد فرهنگی هاینریش بل مربوط به حزب سبزهای المان بتاريخ 23 نومبر 2011 در شهر برلین سیمیناری دایر نموده بود که در آن نمایندگان بنیاد های مدنی افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر، نماینده رسانه های خبری، خانم کروخیل وکیل مردم در پارلمان افغانستان، امرالله صالح رییس سابق سازمان امنیت افغانستان و یک تعداد کارشناسان سیاسی کشور های منطقه، اروپا و ایالات متحده امریکا شرکت داشتند.

در آغاز خانم اون مویسیک عضو هییات رهبری بنیاد هاینریش بل، نظری اجمالی به اوضاع سیاسی افغانستان، منطقه انداخته و مشکلات وموانعی که در راه تامین صلح وجود دارد، به ارزیابی گرفت. او همچنان بمشکلات قوتهای نظامی ناتو در راه تامین صلح در افغانستان اشاره نمود. بعد از آن فرانسس وندرل نماینده سابق اتحاد اروپایی در افغانستان، کارنامه کشور های عضو ناتو را در ده سال اخیر در افغانستان با یک دید انتقادی ارزیابی نمود.

به نظر او کمبود حضور فعال سازمان ملل، زمینه نفوذ بیشتر کشور های منطقه را میان نیرو های مخالف دولت افغانستان، مساعد ساخت که در جریان زمان باعث شدت گرفتن بیشتر منازعاتی گردید که تا امروز ادامه دارد. برعلاوه نیرو اتحاد شمال که در همکاری با نیرو های نظامی ایالات متحده در سقوط طالبان نقش داشتند در جریان دوره انتقالی توانستند با اشغال وزارت های کلیدی موقف خود را تثبیت نمایند که این مساله زمینه نارضایتی ها را در سایر بخشها جامعه ایجاد نمود. تقسیم کرسی های بلند دولتی نه به اساس شایستگی و کاردانی بلکه به اساس روابط شخصی و گروهی صورت گرفته و به نقش اشخاص بجای نقش تشکل اهمیت زیادت داده شد. قوتهای بین المللی در زمینه خلع سلاح نیرو های مسلح جنگی جدیت لازم را از خود نشان ندادند. ایالات متحده امریکا به نقش پاکستان در ایجاد مجدد منازعات کم توجهی کرده و محراق توجه این کشور، عراق قرارگرفت. کمبود یک استراتیژی واحد و تعیین اهداف برای آینده، مبارزه علیه تروریسم و طالبان، بازسازی افغانستان اهدافی بودند که در چوکات یک راهبرد روشن بصورت مشترک باید میان همه کشور های دخیل در قضیه افغانستان، تعقیب میگردد. برعلاوه عدم توجه به حمایت از احزاب و گروه های سیاسی و سازمانهای مدنی که در رابطه با گروه های مسلح قرار نداشتند، نقش آنها را در جامعه ضعیفتر ساخته و در تمام ارگانها سیاسی احزاب جنگی دست بالا داشتند. از نظر او این کمبود ها عامل آن شد که دورنمای آینده افغانستان نا روشن گردد.

او معتقد بود که برای جلوگیری از وارد شدن افغانستان به یک جنگ داخلی مجدد، باید میان نیرو های دخیل بین المللی در رابطه سرنوشت آینده این کشور بعد از سال 2014 یک همسویی ایجاد گردد و این مساله باید روشن شود که در کجا امکان همکاری با طالبان وجود دارد و کجا باید یک خط سرخ با آنها کشیده شود که امکان همکاری

موجود نیست. از نظر او باید میان ایالات متحده امریکا و کشور های اروپایی نیز در رابطه افغانستان یک همسویی ایجاد گردیده و مذاکرات صلح و بازسازی افغانستان ساختاری گردد. عدم مذاکرات ساختاری شده در سطح ملی و منطقوی برای روند صلح خطرانی جدیدی را ایجاد خواهد کرد. او در مذاکرات صلح منطقوی و داخلی روی نقش عمده سازمان ملل متحد بیشتر تاکید میکرد و باز نمودن یک دفتر را برای طالبان در ترکیه مثبت ارزیابی نمود.

امران الله صالح رییس سابق سازمان امنیت افغانستان، نظر فرانسس وندرل مبنی بر باز نمودن یک دفتر برای طالبان را، کم بهادادن به دولت افغانستان ارزیابی کرده و معتقد بود که این عمل مشروعیت قایل شدن به طالبان است.

امران الله صالح در سخنرانی خود روی تقویت نیروی های امنیتی افغانستان تاکید نموده و معتقد بود که قوای امنیتی افغانستان بعد از سال 2014 در موقعیتی نخواهد بود که بتواند علیه طالبان بجنگد. اکثریت افراد در اردو و پولیس بخاطر انگیزه های مادی شامل این ارگانها شده و دارای کدام آرمان نیستند. برای مبارزه با طالبان تنها پول کافی نیست. باید یک تغییر اساسی در ساختار قوای امنیتی افغانستان ایجاد گردد. از نظر او وضع فعلی طوریت که هیچ طرف برنده نیست. در حالیکه ناتو در حال حاضر روی یک موفقیت تاکتیکی حساب میکند، دولت پاکستان منتظر یک موفقیت راهبردی بعد از خروج نیرو های ناتو از افغانستان میباشد. از نظر او خروج قوتهای ناتو از افغانستان بعد از سال 2014 بدون تقویت نیرو های امنیتی افغانستان در تمام بخشها، هم برای افغانستان خطرناک است و هم هدف ناتو در مبارزه با تروریسم برآورده نمیشود. ناتو باید توجه خود را به مراجع اصلی که تروریسم را تقویت میکند متمرکز نماید.

خانم شنکی کرو خیل عضو پارلمان افغانستان از نیرو های بین المللی انتقاد کرد که آنها بعد از سال 2002 نیرو هایی را حمایت کردند که مسئولیت کشتن صدها هزار نفر بدوش شان سنگینی میکند. برعلاوه اکثریت قرارداد های اقتصادی هم با افرادی وابسته به همین نیرو ها داده شد. این نیرو ها با ایجاد کمپنی های امنیتی بکمک نیرو های خارجی در تمام وقایع جنایی در مرکز و ولایات سهیم بودند.

جامعه مدنی افغانستان بخاطر عدم توجه جامعه بین المللی ضعیف باقی ماند. در حالیکه جامعه ما به نهاد ها و احزابی ضرورت دارد که گذشته جنگی نداشته باشند.

در رابطه نقش پاکستان و حمایت این کشور از تروریسم کمتر توجه صورت گرفت و جامعه بین المللی فشار لازم را به کشور های همسایه وارد نمودند که آنها از مداخله خود در امور افغانستان دست بکشند. عدم اعتماد جامعه بین المللی به نیرو های امنیتی افغان باعث شد که این نیروها نتوانند به استحکام لازم ساختاری برسند.

توم کونینیک نماینده سبز ها در پارلمان المان و رییس کمیسیون حقوق بشر و کمکهای بشری و نماینده سابق ملل متحد در افغانستان اظهار داشت که ما به ساختار های سیاسی افغانستان بخصوص پارلمان این کشور اعتماد نداشتیم و جنگ عراق باعث شد که توجه جامعه بین المللی به افغانستان کمتر گردد. او معتقد است که بدون همکاری پاکستان صلح در افغانستان ناممکن است. برای رسیدن به یک صلح پایدار در این کشور باید قبل از مذاکره با طالبان، ایران و پاکستان در جریان قرار داشته باشند و با چگونگی مذاکرات با طالبان توافق نمایند. در غیر آن چنانکه تجربه چند سال نشان داد، مذاکرات صلح به نتیجه نخواهد رسید.

توماس رویتیک عضو بنیاد تحقیقی تحلیلگران افغانستان به این عقیده است که جامعه بین المللی با موجودیت یک نیروی نظامی قوی در افغانستان مخالفت داشتند. همچنان در انتخاب افراد در کرسی های دولتی بنفش وابستگی های قومی ارجحیت بیشتر قایل شدند تا فهم و دانش افراد. معیار های قومی در برابر شایستگی قرار گرفت.

در زمینه صحبت با طالبان باید برخورد متفاوت صورت بگیرد. مساوی قراردادن طالب با پشتون و تروریسم طرز دید اشتباه آمیزست. یک تعداد زیاد طالب ها پشتون هستند اما همه پشتونها طالب نیستند. در این زمینه اقدامات نظامی امریکا بر علیه مردم هم باید در نظر گرفته شود که نارضایتی هایی را میان مردم ایجاد کرده است. بهر صورت با بخشهایی از نیرو های جنگی مخالف دولت که به آنها طالب گفته میشود با وجود کشته شدن ربانی رییس شورای عالی صلح، باید مذاکره ادامه پیدا کند. درجنگ فعلی افغانستان راه حل نظامی وجود ندارد اما حتمی هم نیست که مذاکرات سیاسی یک را حل ارایه نماید.

در مورد بیطرفی افغانستان که از طرف یک تن از حاضرین مجلس سوال شد. امرالله صالح اظهار داشت که در شرایط کنونی بیطرفی برای برای افغانستان ناممکن است. فرانسیس وندرل معتقد بود که بیطرفی امروز مفهوم دیگری را بخود گرفته است نسبت به گذشته.

در بخش بعدی سیمینار خانم نجیبه ایوبی مسنول گروه رسانه ای کلید معلوماتی را در مورد مشکلات رسانه های افغانی، نقش روشنگرانه ژورنالیستان و همچنان مشکلات آنها با مقامات دولتی و قدرتمندان، معلومات ارایه نمود. نظر به اظهارات خانم ایوبی رسانه های افغانستان با وجود عالمی از مشکلات سهم خود را در حد توان و امکانات در روشن ساختن ذهنیت مردم انجام داده است. اکثر ژورنالیستها در ساحه کار خود مورد تحدید و تخویف قرار میگیرند و عده ای از آنها حتی جان خود را از دست داده اند. مقامات دولتی کمتر حاضر به مصاحبه با نمایندگان با رسانه ها هستند. قتل ژورنالیستان اکثر از طرف مراجع مربوط امنیتی بصورت درست تعقیب نگردیده و در تاریکی باقی میماند.

بعد از آن خانم ترودی - ان تیرنی همکار تلویزیون شخصی طلوع روی نقش تلویزیون در زمینه روشنگری و بخصوص نقش و مشکلات زنان در بخش هنر موسیقی و فلم معلومات ارایه نموده و با به نمایش گذاشتن صحنه های کوچکی از فلمهای مستند منازعه نسل ها را در جامعه افغانی به نمایش گذاشت.

باتاسف که حدود صحبتها در این ساحه کمتر از آنچه بود که انتظار میرفت. و سوالاتی در مورد نقش رسانه ها بخصوص رادیو و تلویزیون در زمینه آموزش و پرورش اطفال و نوجوانان، حفظ محیط زیست بخاطر کمبود وقت کمتر مورد بحث و مشاجره قرار گرفت.

در بخش دوم سیمینار عزیز رفیع مدیر مسنول بنیاد مشترک سازمانهای مدنی افغانستان در زمینه سازمانهای مدنی و مشکلات این سازمان ها معلومات ارایه نمود. از نظر او با وجود برداشت های متفاوت از جامعه مدنی در اروپا و افغانستان، یکنقطه نظر مشترک میان همه سازمانهای مدنی وجود دارد که آن عبارت از پیشرفت و بهبود اوضاع اجتماعی در یک جامعه میباشد. جامعه مدنی امروز افغانستان یک حلقه وسیع از اجتماعات، گروه ها و افراد را احتوا میکند که ساختارهای آن با سال 2002 بسیار تفاوت دارد. ما در این چند سال زیاتر به وظایف سیاسی و مبارزه برای حقوق سیاسی اهمیت قایل شدیم. در مقابل در زمینه مبارزه اقتصادی، اجتماعی و کلتوری توجه کمتر داشتیم.

در زمینه اجتماعی جامعه ما دوچار یک بحران هویت است و اعتماد اجتماعی از میان رفته یعنی روبرو تمام سلول ها و موزانیک اجتماعی برهم خورده است. جامعه ما در دو نیم قرن اقسام مختلف نظامهای سیاسی و حکومتداری را تجربه نمود. من فکر میکنم که دموکراسی با وجود همه کمبود ها یک نظام سیاسی بهتر است. جامعه مدنی باید نقش خود را برای یک حکومتداری بهتر، ملت سازی و اشاعه پرنسیپ های دموکراسی انجام دهد. دولت امروزی با وجود همه کمبود های خود بهترین شکل دولتی در مقایسه با گذشته بوده است.

ثریا صبحرنگ نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به این عقیده بود که تنها وضع قوانین کافی نیست، قوانین باید در عمل پیاده گردد و روی کاغذ نماند. اما در کشور ما در حال حاضر قوانین روی کاغذ است. پیاده نشدن قانون در عمل تاثیرات منفی بر روحیه افراد جامعه میگذارد و بی اعتمادی خلق میکند. امروز جامعه افغانستان بسرعت در حال تغییر و تحول است. ساختارهای اجتماعی شهرها تغییر کرده، بطور مثال کابل یا هرات بکلی ساختارهای دیگری دارد نسبت به گذشته و سیلی از مهاجرین از دهات به شهرها روی آورده اند و این حرکت همچنان ادامه دارد. این سوال را باید نمود که برای این حرکات کتله های انسانی چه راهبردی را باید روی دست بگیریم و ادامه این حرکت آینده افغانستان را به کجا خواهد کشانید؟

ساغر چوپان یکی از اعضای شرکت کننده میز مدور و مشاور سابق اشرف غنی احمدزی با دید انتقادی وابستگی جامعه مدنی افغانستان را به جامعه بین المللی به ارزیابی گرفت. او معتقد بود که جامعه مدنی به همان مشکلاتی مواجه است که دولت افغانستان نیز با آن مواجه میباشد. وابستگی نهاد های جامعه مدنی افغانستان از ناحیه

وابستگی مالی این نهاد را در وضع شکنندی قرار داده است. حالا اگر پول جامعه مدنی از طرف نهاد های بین المللی قطع گردد این نهاد ها به چه سرنوشتی دچار خواهند شد؟

جامعه مدنی افغانستان از نگاه ترمنولوژی زیادتر ترمنولوژی غربی را مورد استفاده قرار میدهد که این مساله در جامعه افغانی خالی از اشکال نیست. برعلاوه جامعه مدنی افغانستان ، افغانستان شمول نیست. بصورت مقایسوی در حالیکه در تمام افغانستان 1200 نهاد جامعه مدنی وجود دارد، در شهر کابل 3000 نهاد تراکم کرده است که در راه بدست آوردن پول در رقابت بسیار شدید با یکدیگر قرار داشته و رقابت جای همکاری ها را گرفته است. در سطوح افراد رهبری این نهاد ها، باید انتخابات دوره ای صورت بگیرد که چنین نیست. بسیاری از اعضای این سازمانها، همزمان عضویت چندین سازمان را دارند.

خانم نجیبه ایوبی نماینده رسانه های کلید معتقد بود که یک تعداد کشور های جامعه بین المللی خود سازمانهای مدنی را ایجاد کردند، در حالیکه ابتکار را باید به افغانها میگذاشتند و من فکر میکنم که افغانها توانمندی ایجاد چنین سازمانها را داشتند. در این رابطه جامعه بین المللی پولهای گزافی را مصرف نمودند. تا جاییکه دیده میشود در صورت قطع کمکهای بین المللی امیدواری برای افغانها وجود ندارد. اعلام خروج نیرو های بین المللی بعد از 2014 جامعه مدنی افغانستان را از یک خواب عمیق بیدار ساخت که از خود این سوال را نمایند که بعد از رفتن قوای بین المللی ادامه کاری ما تا چه حد امکان پذیر است؟

برعلاوه رابطه میان جامعه مدنی و رسانه ها بسیار ضعیف بوده و تا حال این سوال مطرح نگردیده است که رسانه ها به جامعه مدنی چه کار کرده میتواند و یا برعکس آن. یعنی آنها چه کار هایی را برای همدیگر انجام داده میتونند؟ مثلاً رسانه ها میتوانند وظایف جامعه مدنی را بمردم توضیح نمایند. در این زمینه ها همکاری یا بسیار ضعیف است و یا هیچ وجود ندارد.

یکی از شرکت کننده گان سیمینار به این عقیده بود که بسیاری از نهاد ها "دفاع از حقوق زن" را بمثابة یک وسیله مورد سوء استفاده قرار میدهند تا از این طریق به کمکهای بین المللی دسترسی پیدا کنند، در حالیکه آنها نه تنها برای اعاده حقوق زن در جامعه کاری انجام نمیدهند، بلکه در سطح خانواده خود هم حقوق زنان را پامال میکنند. بهبود کار جامعه مدنی در مناطق دور افتاده افغانستان یک ضرورت مبرم است که جامعه مدنی افغانستان باید به آن توجه جدی نماید.

انتقاد یکی از شرکت کننده گان از کشور های عضو پیمان ناتو این بود که مصارف نظامی این کشور در افغانستان با کمکهای شان در سطوح اقتصادی و اجتماعی اصلاً قابل مقایسه نیست. او معتقد بود که بجای اینهمه مصارف نظامی کمکها باید در بخش ملکی متمرکز شود به مردم برای بهبود سطح زندگی شان کمکهای موثر و سازنده صورت بگیرد.

در اخیر این بخش عزیز رفیع نماینده سازمانهای مدنی افغانستان در رابطه بهبود کار آینده این سازمانها اظهار داشت: که ما باید به کیفیت کار های خود توجه نماییم تا به کمیت.

او در انتقاد از چگونگی کار جامعه بین المللی به این عقیده بود که با سراریز شدن پولهای وافر به افغانستان زمینه های ارتشاء ، فساد اداری و سوء استفاده آماده شد. ما در گذشته قربانی جنگ سرد شدیم و امروز قربانی اسلامگرایی ، رقابتهای منطقوی و داشته های طبیعی خود هستیم. ما باید تلاش کنیم که بالاخره خود را از این نقش قربانی بیرون بکشیم.

او در جواب این سوال که در صورت قطع شدن پولهای بین المللی شما چه برنامه مالی روی دست دارید و کمکهای دولت افغانستان برای شما در چه حدودی خواهد بود؟ اظهار داشت که با وجود مذاکرات با دولت، دولت خود به کمکهای بین المللی وابسته است و کدام علاقمندی به تقویت نهاد های مدنی ندارد. من با پیشنهاد همکاری های بیشتر بین جامعه مدنی و رسانه ها موافقت دارم، اما روی همکاری های جامعه مدنی با همدیگر نیز تاکید بیشتر میکنم.

بخش سوم سیمینار برای ارزیابی از منازعات منطوقی و نقش کشور های همسایه در تامین صلح در افغانستان اختصاص داده شده بود .

پروفیسر کریستیان وانگر آمر گروه تحقیقات آسیا در بنیاد تحقیقی علمی و سیاسی برلین معتقد بود که کشور های منطقه هر کدام دارای منافع متفاوت بوده و داشته های اقتصادی منطقه نیز محدود میباشد. او در رابطه همکاری های منطوقی دو نهاد:

- اتحاد اقتصادی منطوقی جنوب آسیا (گروه شانگهای)
- اتحاد اقتصادی آسیای مرکزی (راه ابریشم)

را مورد ارزیابی قرار داده و معتقد بود که تنها در محدوده این دو اتحاد اقتصادی امکان راه حل برای منازعه افغانستان و اطراف وجود ندارد. اما میتواند در حل منازعه کمک نماید آنهم در صورتیکه کشور های عضو این دو اتحاد بتوانند روی مشکلات سیاسی و اقتصادی در منطقه با همدیگر کنار بیایند. به عقیده او پاکستان ترس دارد که از طرف دوکشور همسایه هند و افغانستان در محاصره قرار بگیرد. مخالفت پاکستان با دوستی میان افغانستان و هند ناشی از همین ترس است. پاکستان بهر صورت علاقمند است تا مناسباتش نسبت به هند با افغانستان نزدیکتر باشد و کمکهای هند به افغانستان فقط در محدوده کمکهای اقتصادی باشد و با در نظر داشت همین خواست و دور ساختن افغانستان از هند، نیروی های مخالف دولت افغانستان را بمثابه وسیله فشار مورد استفاده قرار میدهد. باید در نظر داشت که پاکستان خود هم در حال حاضر از نگاه اقتصادی، سیاسی با مشکلات زیاد مواجه میباشد. او بصورت جانبی از مشکل تقسیم آب میان کشور های همسایه در منطقه یادآوری نمود.

در زمینه علایق سیاسی و اقتصادی پاکستان حجاز حیدر ژورنالیست و تحلیلگر سیاسی مستقل پاکستانی به این عقیده بود که نزدیکی میان افغانستان و هند برای پاکستان خالی از مشکلات نیست. بخصوص در رابطه خط دیورند که حکومتهای افغانستان هیچ کدام تا حال حاضر نیستند آنرا به عنوان خط سرحدی میان دو کشور به رسمیت بشناسند و این مساله کلانترین معضله برای پاکستان است چون تمامیت ارضی پاکستان مورد سوال است. افغانستان در این زمینه باید تصمیم گرفته و آنرا بعنوان خط سرحدی قبول نماید. در حال حاضر بهتر است که هند و پاکستان روی یک راهبرد مشترک حل چالش های منطوقی کار نمایند که در این رابطه نزدیکی هایی هم میان دو کشور ایجاد شده و قابل تابید است اما میتواند بهتر و بیشتر شود. راه حل در کل باید یک راه حل منطوقی باشد که همکاری های اقتصادی میتواند آغاز خوبی برای حل چالش ها میان کشور های منطقه گردد.

اودای بشکار جنرال سابق نیروی دریایی هند و مدیر مسنول بنیاد تحقیقاتی مسایل بحری معتقد بود که این ترس پاکستان از ناحیه در محاصره قرار گرفتن از جانب هند و افغانستان یک تصور نادرست است. کمکهای های هند به افغانستان به هیچ وجه خطری به پاکستان ایجاد نکرده و فقط باید در پرتو روابط خوب عنعنوی میان هند و افغانستان تلقی گردد. ما واقعاً طرفدار یک صلح دایمی در افغانستان و منطقه هستیم اما پاکستان بالاخره باید از حمایت تروریستها دست بکشد، واقعه مومبای(بمبی) و بیانگر آنست که یک بخش از نیروهای درون دولت پاکستان خواهان صلح در منطقه نیستند. ما میخواهیم با پاکستان روابط نیک داشته باشیم و در این راه مذاکرات آغاز شده مورد استقبال ماست اما وقایعی مانند مومبای در مناسبات ما خدشه وارد میکند. حکومت هند با وجود این واقعه طرفدار ادامه مذاکرات بوده و است. ما در قبال پاکستان هم هدفی سوء را تعقیب نمیکنیم. کمکهای ما به افغانستان فقط بههدف پیشرفت این کشور است نه بخاطر اهداف سیاسی و یا نظامی.

در زمینه صحبتهای حجاز حیدر خاتم کرو خیل نماینده مردم در پارلمان افغانستان اظهار داشت که معضله خط دیورند معضله تنها حکومتها نیست، این معضله مربوط به مردم این منطقه میشود. با حمایت از تروریسم که از طرف حکومت پاکستان صورت میگیرد و جامعه بین المللی نیز این واقعیت را میداند، نمیتوانیم مشکلات خود را حل کنیم. پاکستان میخواهد، افغانستان یک کشور تحت کنترولش باشد و این یک امر ناممکن است و نمیتواند به این هدف برسد. همچنان امرالله صالح رییس سابق سازمان امنیت افغانستان با انتقاد از اظهارات حجاز حیدر از بدست داشتن اسناد موثق در رابطه حمایت پاکستان از گروه حقانی و ملا عمر (شورای کویته) روی نقش منفی پاکستان در ایجاد نا آرامی ها در افغانستان و عملیات تروریستی طالبان تاکید نمود. هردو حضور بن لادن را در پاکستان و آنهم در یک

منطقه نظامی دلیل روشن حمایت پاکستان از تروریسم بین المللی ارزیابی کردند که حجاز حیدر با ایم طرز دید موافق نبود.

بعداً نوبت به خانم درسی بورنر رییس کنگره انتقادی و عضو سابق گروپ تحقیقاتی افغانستان رسید تا روی سیاست ایالات متحده در افغانستان صحبت نماید.

از نظر او امروز 80% مردم ایالات متحده خواستار خارج شدن قوای نظامی این کشور از افغانستان است. اما امریکا ترس دارد که با خروج از افغانستان، حکومت این کشور سقوط نماید و همچنان بحران در پاکستان بعنوان یک کشور دارای نیروی اتمی چه خطراتی را برای منطقه و دنیا ایجاد خواهد کرد. امریکا در منطقه اهداف استراتژیکی ندارد و حضور نیروی هایش با مصارفیکه برای ایالات متحده ایجاد میگردد در مقایسه با آنچه بدست خواهد آورد با صرفه نیست.

سنجر سهیل روزنامه نگار و مدیر مسنول روزنامه هشت صبح منتشره کابل به این عقیده بود که سیاست امریکا در افغانستان یک سیاست خطرناک است و من فکر میکنم در حال حاضر افغانستان بخاطر سیاست داخلی ایالات متحد مورد استفاده قرار میگردد. ایالات متحده امریکا در رابطه افغانستان سیاست روشنی ندارد ما نمیدانیم که ایالات متحده برای آینده چه اهدافی را در منطقه و بخصوص افغانستان تعقیب میکند. در این جا ما نباید رقابتهای منطوقی میان کشور های مانند چین و روسیه را نادیده بگیریم. این سوال مطرح است که ایالات متحده در قبال آنها چه راهبرد سیاسی را تعقیب میکند؟

در بخش اخیر فهیم حکیم معاون کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان دست آورد های چند سال اخیر را در ساحات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یادآوری نموده و روی کمبود ها انگشت انتقاد گذاشت. بعقیده او در افغانستان فساد اداری، اقتصاد متکی به مواد مخدر، عدم امنیت، کمبود ها در ساحه قضایی، سیستم حزبی و انتخاباتی، موجودیت احزاب بیشماریکه با همدیگر در کشمکش بوده و نمیتوانند نقش موثر و سازنده در بهبود نظام سیاسی بازی نمایند، عدم خواسته های روشن سیاسی گروه های مختلف، همه کمبودهایی اند که هم دولت و هم جامعه سیاسی افغانستان به آن مواجه است. از نظر من با خروج قوای بین المللی نباید ساحه کار جامعه مدنی و سازمانهای دفاع از حقوق بشر محدود گردد. حکومت باید اعتماد مردم را جلب نموده و وظایف خود را درست انجام بدهد تا مردم هم به حکومت اعتماد نماید و سازمانهای مدنی عامل کنترل حکومت بوده میتواند.

از نظر فهیم حکیم، برآمدن بخاطر برآمدن اشتباه بزرگیست و خطر ایجاد یک خلای سیاسی بار دیگر مانند زمان برآمدن قوای شوروی از افغانستان وجود دارد و نباید بار دیگر تکرار گردد.

در افغانستان کسی مخالف مذاکره با مخالفین دولت نیست اما روی ارزش ها و اصول نباید پا گذاشته شود. در قسمت گذشت از آزادی هیچگونه سازشی وجود ندارد.

میشائیل شتاينر نماینده خاص المان برای افغانستان و پاکستان توضیح داد که برداشت حکومت المان از یک "عقب نشینی با مسئولیت" چیست. مسنولین در گذشته اوضاع را زیبا ترسیم میکردند اما دیده شد که مشکلات زیادی وجود داشت. او تاکید کرد کدام راهبرد "بیرونی" مطرح بحث نیست اما آلمان به آنچه که تعهد سپرده باید عمل کند نه اینکه "ویرانه از همکاری ها" را خود بجا بگذارد. بن محلی است که یکبار دیگر همه متوجه مسئولیت های خود گردند چون دیده میشود که امروز مسایل دیگری درمحراراق توجه جامعه بین المللی قرار گرفته است.

بگفته اشتاینر در سال 2001 آرمانها وجود داشت اما امروز ما واقعیتها به اوضاع نگاه میکنیم. هدف ما همچنان تضمین حقوق بنیادی بشر در افغانستان است.

در بن سه راهبرد اساسی مطرح بحث است: انتقال مسئولیتها امنیتی، آماده شدن افغانها برای دفاع از حق خودارادیت و جلوگیری از یک از یک سقوط اقتصادی. امروز 90% عاید ناخالص ملی افغانستان وابسته به حضور 140000 عسکر نیرو های بین المللی میباشد. کمکهای ملکی و همچنان تربیه پولیس و قوای نظامی باید ادامه پیدا کند و مصارف 300 هزار قوای نظامی سالانه به 4-6 میلیارد دالر تخمین میگردد که تاثیرات منفی در اقتصاد

افغانستان خواهد داشت. مذاکرات باید ادامه پیدا کند اما این مذاکرات باید هدفمند، شفاف، دارای یک ساختار و همه جانبه باشد.

در این سیمینار تا حدودی معین مسایل از جوانب مختلف با دید انتقادی مطرح بحث قرار گرفت و روی یک سلسله مشکلات کلیدی که در راه صلح منطقه و افغانستان وجود دارد انگشت گذاشته شد. بر علاوه بمشکلات اقتصادی که بعد از خروج نیروهای بین المللی دامنگیر ابعاد مختلف جامعه افغانی میگردد، اشاره شد. اما شناخت مشکل برای ما کافی نیست. ما باید گره چگونگی بیرون رفت از معضله را جستجو کنیم.

آیا راه حل مذاکره با طالبان است، آنچنانکه یک تعداد از سیاستمداران غربی روی آن تاکید میکنند و با زیان دیپلماتیک به ما میگویند گذشت از آزادی و سر نهادن به بخش از خواسته های حتی نامشروع پاکستان. یا اینکه مذاکره بلی اما تاکید روی ارزش ها و اصول قبول شده جامعه بشری و همچنان قبول خواسته های مشروع کشور همسایه با رعایت حقوق بین الدول و احترام به حق خود ارادیت هر ملت؟